

عنوان مقاله:

گزاره های زبانی و ادبیت کلام

محل انتشار:

فصلنامه نقد ادبی، دوره 7، شماره 27 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسنده:

تقی پورنامداریان - *Professor of Persian Language and Literature, Institute for Humanities and Cultural Studies*

خلاصه مقاله:

این مقاله مسئله معنا در متن ادبی را به بحث می گذارد. نخست «معنی زبان شناختی» گزاره را تعریف می کند و تفاوت گزاره های زبان با ادبیات را مطرح می کند. در زبان هیچ گزاره ای نیست که معنی زبان شناختی نداشته باشد؛ اما در ادبیات گزاره های فراوان تولید می شود که یا مصداق ندارند یا مصداق آن ها پذیرفتنی نیست. سه عامل سبب می شود که معنی زبان شناختی یک متن پذیرفتنی نباشد: ۱. عامل ناهشیاری: اگر در متن نشانه ای وجود داشته باشد که گزاره ها در حالتی از ناآگاهی به وجود آمده اند. ۲. عامل مصداق ستیزی: آنگاه که معنی زبان شناختی متن به سبب دلالت بر مصادیقی مغایر با عادت های تجربی ما انکار می شود. ۳. ناسازگاری معنی گزاره با شخصیت گوینده: آنگاه که معنی زبان شناختی گزاره ها با شناختی که از گوینده داریم سازگار نمی نماید. مقاله در نهایت گزاره های فراهم آورنده یک متن را به سه نوع تقسیم کرده است: الف. گزاره هایی که معنی زبان شناختی آن ها پذیرفتنی است و به مصداقی تجربی دلالت دارند. ب. گزاره هایی که اگرچه در نظام نخستین زبان، معنی زبان شناختی آن ها پذیرفتنی نیست اما دریافت معنی ثانوی آن ها که منظور نظر اولیه گوینده بوده است و در این معنی دارای مصداق تجربی نیز هستند به آسانی میسر است. ج. گزاره هایی که علی رغم اختلاف علت در پدید آمدن آن ها معنی زبان شناختی آن ها قابل قبول نیست و به مصداقی سازگار با عادت های تجربی ما دلالت ندارند و صرف نظر از آنکه چه عامل بافتی و چه علتی سبب نهفته شدن معنایی در آن ها شده باشد، این معنی به آسانی قابل دریافت نیست.

کلمات کلیدی:

proposition, linguistic definition, linguistic proposition, literariness, گزاره, معنای زبان شناختی, گزاره زبانی, ادبیت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1837279>

